



بانوی شعر و غزل

خسروکیانی طبع شاعرانه‌ای دارد و گهگاه شعرهای نابي هم می‌گوید. خودش معتقد است: «شعر، شوری است که الهام می‌شود». او دفتر شعری از اشعارش دارد اما آن قدر پر مشغله است که هنوز وقت نگرفته آن را به صورت کتاب تدوین کند. خودش با خنده می‌گوید: «بارها دفترم را گذاشتم که شعرهایم را برای چاپ سروسامانی بدهم اما مشغله‌های کاری مانع شده، مدرسه امید پیشنهاد داده که در اتاق ضبطشان اشعارم را بخوانم و صدایم را ضبط کنم اما هنوز این فرصت دست نداده است.»

این چراغ نباید خاموش شود

این بانوی نیک اندیش تنها یک خواسته دارد: «راهی را شروع کردم که دوست دارم بعد از من هم چراغ این راه خاموش نشود و افراد دیگری ادامه‌دهنده این راه باشند.»

سپاسگزارم که این قدرت کلام را به من داده که می‌توانم از تأثیرش در راه خیر استفاده کنم. تجهیز کارگاه شیرینی‌پزی دختران تقوا، لایبراتور زبان، هوشمندسازی مدرسه امید که بیش از ۱۲۰ میلیون هزینه در برداشت، خرید و ویس و رکورد در... کارهایی است که با همت خیرین و ارتباطی که با آن‌ها گرفتم و برخی مبالغی که کمک کردم، به نتیجه رسیده است.»

استعدادهای نابینایان دیده نمی‌شوند

خسروکیانی یکی از دلایلی را که بیشتر وقتش را صرف خدمت‌رسانی و ایجاد رفاه بیشتر برای نابینایان کرده، استعدادهای خاص این گروه می‌داند و می‌گوید: «یکی از دلایل حمایت از دانش‌آموزان نابینا معرفت استعدادهای آن‌هاست؛ زیرا این گروه محروم از بینایی به دلیل فراهم نبودن زیرساخت‌ها کمتر در جامعه حضور می‌یابند و استعدادهایشان ناشناخته مانده است. با معرفت آن‌ها جامعه از وجودشان و استعدادهایی که دارند و نیازهایشان آشنا می‌شوند. به همین خاطر است که برای این گروه حامی مالی پیدا می‌کنیم تا بتوانند به تحصیلاتشان ادامه بدهند و در حال حاضر ۱۱۰ دانش‌آموز و دانشجو در مقاطع مختلف تحصیلی را تحت پوشش داریم که ماهانه به آن‌ها مبالغی از سوی خیرین کمک می‌شود. در ماه مبارک رمضان و نوروز هم بسته‌های غذایی از سوی خیران به این عزیزان اهدا می‌شود.»

مدرسه‌ای در حال ساخت

یکی از تازه‌ترین کارهایی که با همکاری بانو خسروکیانی در حال انجام است، ساخت مدرسه‌ای در شهرک باهنر است. ساخت این مدرسه هم داستان جالبی دارد، او برایمان تعریف می‌کند: «چندی پیش یکی از پزشکان معروف با خیریه‌ای همکاری می‌کرد اما گویا اعضای آن خیریه بیشتر کمک‌ها را بین خودشان تقسیم می‌کردند و موجب بدبینی دکتر شده بودند. او را با فعالیت‌هایمان آشنا کردم و مبالغی را که هزینه می‌کرد، توسط فیش‌ها و مدارک برایش گزارش می‌کردم. تا اینکه پدر ایشان فوت کرد، به او پیشنهاد دادم به یادبود پدرش مدرسه‌ای بسازد تا نامش برای همیشه زنده باشد، او ابتدا قبول نکرد بعد از مدتی منشی‌اش تماس گرفت و گفت آقای دکتر گفته از کجا زمین پیدا کنیم... گفتم همه کارها با من. به اداره نوسازی مراجعه کردم و درخواست زمینی در محدوده‌ای که دکتر گفته بود، کردم. آن محدوده زمین نبود اما در شهرک باهنر زمینی به متراژ دو هزار و هفتصد متر در اختیارمان قرار دادند. توافق‌های اولیه بین دکتر و اداره نوسازی انجام شده، اداره نوسازی در حال تهیه نقشه و اجرای کار است و دکتر هزینه‌های ساخت را تقبل کرده. به این صورت دبستانی با ۱۸ کلاس آموزشی مجهز برای دانش‌آموزان شهرک باهنر ساخته خواهد شد و نام پدر و عموی دکتر هم به این طریق جاودان خواهد ماند. همچنین قرار است مدرسه دیگری در مطهری شمالی خیابان عزیزی برای دانش‌آموزان استثنایی - جسمی حرکتی ساخته شود. کارهای اداری در دست اجراست.»

می‌کند: «هنگامی که برای دیدار از این عزیزان رفتم و آن‌ها را از نزدیک دیدم، آن قدر احساساتی شدم که حتی نتوانستم چایم را بنوشم. آن قدر گریه کرده بودم که نمی‌توانستم رانندگی کنم. آنجا بود که فهمیدم نابینایان تا چه حد در این جامعه مهجور مانده‌اند و نیازهایشان دیده نمی‌شود.

آنجا مطرح کردند که سرویس‌های بهداشتی نیاز به مرمت و بازسازی دارد. با خیرینی که می‌شناختم، کارها را سازمان‌دهی کردم و این کار بدون هزینه‌ای از طرف مدرسه به انجام رسید.»

اجرای شدن مسیر ویژه نابینایان

خسروکیانی این بانوی خیر محله فرامرز ضمن گفتگو با مدیر مدرسه نابینایان امید، پی به یکی از دغدغه‌های او می‌برد. دولابی، مدیر مدرسه امید مطرح می‌کند که چه خوب می‌شود پیاده‌روها مسیری ویژه برای نابینایان داشته باشند که باره رفتن روی آن بتوانند مسیرشان را تشخیص دهند. «آقای دولابی صحبت از پیاده‌روی مخصوص برای نابینایان می‌کرد، به او گفتم تلاش‌هایم می‌کنم تا این کار اجرایی شود. با مهندس نقوی (مسئول حوزه اجرایی سازمان حمل و نقل و ترافیک شهرداری مشهد) تماس گرفتم و طرح را بازگو کردم که باید این مسیر با دو طرف دیگر مغایر باشد که فرد نابینا با قرار گرفتن روی آن بتواند راهش را تشخیص دهد. قرار بر جلسه‌ای شد که در این زمینه با هم صحبت کنیم، آن روز برای اولین مهندس نقوی را دیدم. کمی دیر آمد با خودم می‌گفتم حتماً کار به مشکلی بر خورد کرده اما هنگامی که مهندس آمد گفت علت دیر آمدن این بوده که مجوزهای لازم و اعتبار را گرفته و پیمانکار را هم مشخص شده است. بعد از این جلسه حدود ۱۰ تا ۲۰ روز کارهای اداری و اجرایی طول کشید و شروع کار هم زمان شد با ماه رمضان سال ۸۹. اولین مسیر ویژه تردد نابینایان هم از مدرسه امید تا ابتدای چهارراه فرامرز احداث شد. روزی که دانش‌آموزان دبستان امام علی (ع) برای آموزش استفاده از این مسیر عبور کردند، کسبه محله از آن‌ها با شیرینی و آبمیوه پذیرایی کردند که بسیار افتتاح باشکوهی بود.

بعد از این بود که درخواست مناسب‌سازی همه پیاده‌روها را برای نابینایان دادم. به همین منظور با فرماندار وقت جلسه‌ای گذاشتم و موضوع را مطرح کردم، همانجا فرماندار با مسئولان مربوطه تماس گرفتند و زبانی به آن‌ها دستور اجرای کار را دادند و گفتند نامه‌های اداری هم متعاقباً ارسال می‌شود. این کمک و مساعدت ارگان‌ها سبب شد تا در حال حاضر شاهد باشیم که این طرح در پیاده‌روهای بسیاری از سطح شهر اجرا شود.»

از آشپزخانه مجهز تا خرید و ویس رکورد

این بانوی خیر و نیک اندیش فعالیت‌های بسیاری را در زمینه رفاه بیشتر جامعه نابینایان انجام داده که از آن جمله می‌توان به تجهیز کارگاه آشپزی و شیرینی‌پزی، لایبراتور زبان، خرید و ویس رکورد، اتاق ضبط سی‌دی‌های درسی و... نام برد. هنگامی که از او در این زمینه می‌پرسیم، می‌گوید: «اگر کاری صورت گرفته، به واسطه خیران بوده که آن‌ها لطف کرده و مبالغی را کمک کرده‌اند. همواره از خداوند

